

وقف‌های زنان عثمانی و وقفیه والدۀ سلطان ماه پیکر

اسرا دوغان^۱

اوقاف مکه و مدینه در عثمانی

وقف برای دو شهر مقدس مکه و مدینه، از دیرباز اهمیت بسیار زیادی داشته؛ به طوری که از زمان پیامبر اکرم (ص) به بعد، همه دولت‌های اسلامی، اهمیتی جدی بدان نشان داده‌اند. در این میان، پادشاهان عثمانی نیز جایگاه جالب توجهی دارند که جز وقف، بخشش‌هایی را بدان بلاد اختصاص می‌دادند. البته موقوفه‌ها، احسان‌ها و هدایا، بیش از همه، از مصر سرچشمه می‌گرفت. فتح مصر برای سلاطین عثمانی تنها به معنای تصاحب قلمرو مصر که شامل حرمین هم می‌شد، نبود، بلکه برخی از آداب و سنن اسلامی را از آنان گرفتند. وقف برای حرمین شریفین در میان مصریان و حتی در میان زنانشان رواج بسیاری داشته است. پس از فتح حرمین شریفین، عثمانی‌ها نیز نه تنها در شهرهای مکه و مدینه مؤسسات دینی و خیریه زیادی بنا کردند، بلکه اوقافی در مناطق مختلف عثمانی را به بلاد مذکور اختصاص می‌دادند؛ وقف در موارد زیادی به اهالی فقیر مکه و مدینه اختصاص داده می‌شد؛ البته به سبب همین علاقه و اهتمام به این بلاد مقدس بوده که عنوان «خادم‌الحرمین» داشتند. این اهتمام و خدمتگزاری در این اماکن از سویی موجب می‌شد آنها به لحاظ معنوی به آرامش دست یابند و از سوی دیگر میان رعایای مسلمان آن، جایگاه قابل قبولی پیدا کنند، چراکه سنت اسلامی وقف میان مردم عثمانی نیز اهمیت بسیار زیادی داشت. حتی مسلمانان روستاهای مرزهای دور عثمانی در بالکان، در حد توان خود وقفی را برای فقرای مدینه اختصاص می‌داد. این قبیل نمونه‌ها بخشی بزرگ‌تر در روملی در بالکان و همچنین ولایات مختلف مانند بورسا، قرمان، دیاربکر و مرعش نیز دیده می‌شد. این امر نشان دهنده وسعت دید مسلمانان بود و معنویت

۱. دانشجوی تبعه ترکیه و دکترای دانشگاه تهران، دانشکده الاهیات گروه تاریخ تمدن کشورهای اسلامی.

و همبستگی میان آنها را نشان می‌داد و تنها بعد مادی نداشت، بلکه بعد معنوی آن در درجه اول اهمیت قرار داشت.^۱

اوقاف حرمین به خاطر اهمیتی که داشت، سازمانی وسیع را ایجاد می‌کرد.^۲ چنین سازمانی با عنوان نظارت اوقاف همایون در سال ۱۵۸۷م. برای نظارت بر امور اوقاف حرمین و اداره مؤسسه‌های وقفی متعلق به پادشاهان و خاندان‌ها، تأسیس شد. در ابتدا ریاست آن را آقایان قاپو (Kapı Ağaları) برعهده گرفت و پس از او آقایان باب‌السعاده (Babussaade Ağaları) و سپس دارالسعاده، ناظر اوقاف حرمین شدند. هدایا و درآمدی که از اوقاف تخصیص داده شده، به حرمین به‌دست می‌آمد، هر ساله بدون تأخیر بدانجا می‌رسید و شاهان عثمانی با صفت خادم‌الحرمین آن را همراه با محمل به آنجا می‌فرستادند. اگرچه بیشترین اوقاف آناتولی و روم ایلی شخصی بود، درآمد سالیانه آن را مرکز حکومت جمع‌آوری می‌کرد و همه را باهم به حجاز می‌فرستاد. به‌سبب هزینه سنگین حمل و نقل، این راه آسانتر و مطمئن‌تر بود، ولی دولت عثمانی خود بهره‌ای از درآمد اوقاف می‌برد و این جمع‌آوری اوقاف، منافع دولت را تأمین می‌کرد.^۳ این امر مورد اعتراض صاحبان اوقاف بود و بنابراین حکومت در مورد شخصی یا دولتی بودن اوقاف بر سردوراهی قرار گرفت. در نهایت این منازعه نزد سلطان مراد سوم (۱۵۷۴-۱۵۹۵م.) برده شده و پادشاه چنین حکم داد که کلیه درآمد اوقاف خیریه حرمین از طریق قانونی برای صاحبانش فرستاده شود و برخلاف میل آنها عمل نشود. در این فرمان از همه اوقافی که در سوریه، بغداد، مکه و مدینه بوده، نام برده شده، اما در این مقاله که موضوعش اوقاف زنان عثمانی است، ذکر نمی‌شود.

در میان درآمدهای اوقاف، باید از صدقه جوالی نام برد؛ صدقه جوالی جزیه‌ای بود که از غیرمسلمانان گرفته می‌شد و از دوره سلطان سلیمان قانونی به بعد، به اهالی فقیر حرمین اختصاص داده شد.^۴ از دیگر اوقاف، سانجاق اماسیه بود که قسمت عمده آن به مدینه منوره تعلق می‌یافت. این وقف متشکل از درآمد روستاها و مزارع و سهم‌های مالکانه، دیوانی و مالکانه تیمار^۵ بود و به‌طور کلی شامل ۳۳ قریه و سه مزرعه می‌شد. درآمد این اوقاف، جمعاً سالانه دویست و پنجاه و هفت ۵۴۲ اقچه بوده است.^۶

1. Hacılar ve Sultanlar Süreyya Faruki, s 3

2. Türk vakıfları ve vakfiyeleri üzerine mücmel bir etüd, Halim Baki Kunter, 1939. İstanbul s 31

3. Surre defterlerine göre sultan II.Mahmud Han Vakfı'ndan hac yolu ve hicaz'a dağıtılan yardımlar, Fatma Soydemir Marmara Üniversitesi · Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Yüksek Lisans 2007

4. Osmanlı Devletinde Haremeyn Vakıfları – Dr. Mustafa GÜLER/Tarih ve Tabiat vakfi, 2003,

5. Osmanlı Valide Sultanlarının hayır eserleri/ Mahpeyker Kösem Valide Sultan'ın Haremeyn-i Şerifeyn Vakfiyesi, İstanbul, Çamlıca Basım Yayın ve Tic. A.Ş. s 11

6. 1576 Tarihli Defter-i Evkaf-i Rum'a göre Amasya Sancağından Haremeyn'e yapılan Vakıflar, Adnan Gürbüz,.....

وقف میان زنان عثمانی

چنانکه ذکر شد، عثمانی‌ها سنت وقف^۱ برای حرمین شریفین را از مصریان فراگرفتند که علاوه بر پادشاهان و شاهزاده‌ها، میان زنان و امرا نیز رواج داشته است. در دوره ممالیک بحری، برای سرزمین حرمین، احسان و صدقات فرستاده می‌شد؛ به‌عنوان مثال در سال ۷۲۱ ق. زن سلطان محمد بن قلاون که طغی نام داشت، حج کرد؛ وی در طول مسیر به فقرا احسان نموده، در روز عید به همگان نان شیرین، یخ، لباس، وسایل و سی هزار دینار پول انعام داده بود. در سالهای ۷۲۸ و ۷۳۱ ق. زن پادشاه برای این سفر، غیر از اجاره شترها و هدیه‌هایی که به امرای شام و مصر فرستاد، هشتاد هزار دینار و ششصد هزار درهم خرج کرد. حتی به گفته برخی مورخان، ایشان به سبب حج، در آن سال در مکه مالیاتی که از گندم گرفته می‌شد را لغو کرد.^۲

با سیطره عثمانی بر حرمین شریفین، غیر از دولتمداران عثمانی، کاخ‌نشینان و مخصوصاً والده‌های پادشاه، آثار خیریه بی‌شماری وقف آن مکان مقدس کردند. در واقع کل آثار و امور خیریه در دولت عثمانی، نه فقط به دست دولت، بلکه توسط پادشاهان، ارکان دولت، علما، سلطان‌های والده و ثروتمندان انجام می‌شد. بیشترین خدمات خیر و حسنات سلطان‌های والده، یعنی مادران پادشاه، در وقف‌نامه‌ها ثبت شده است. بخش عمده این خدمات، در سرزمین مقدس مکه و مدینه و برای اهالی آنجا بوده است.

در پایتخت عثمانی یعنی استانبول، وقف بر فقرای حرمین بیشتر بود؛^۳ مثلاً مادر سلطان سلیم اول فرمودند که هر سال میان فقرای مدینه هزار طلا اشرفیه پخش شود؛ این پول از درآمد حمام مردمی سلطان بایزید دوم (۱۴۸۱ تا ۱۵۱۲) - که هنوز در استانبول برپاست - تأمین می‌شد. در بالکان نیز برای حرمین، اوقافی تأسیس شده که بیشتر در پایتخت قدیمی عثمانی، ادیرنه و اطرافش بوده است؛ همچنین مادر سلطان محمد فاتح، هما سلطان دختر تاج‌الدین ابراهیم بیگ - که امروزه قبرش داخل مجموعه مساجد فاتح است - گل‌بهار خاتون مادر بایزید، زوجه بایزید دوم حسنی شاه سلطان و خرم‌سلطان زوجه سلطان سلیمان قانونی، از حامیان فقرای مکه و مدینه بودند و برای آنها پول می‌فرستادند. زوجه مراد سوم به‌نام سلطان صفیه نیز املاک خود در مصر را برای ۱۲۰ حافظ قرآن در مکه، مدینه و قدس و خادمان آبداری مسجد و چاه‌های آب مکه، وقف کرد. گلنوش امانه‌الله سلطان، زن سلطان محمد چهارم و مادر مصطفی، در مسیرهای حج، سیبیل‌ها و چشمه‌های زیادی ساخت. در سال ۱۸۲۳ م. تنها در استانبول ۷۱ مکتب‌خانه وجود داشت که زنان دربار برپا کرده بودند.^۴

1. Türk vakıfları ve vakfiyeleri üzerine mücmel bir etüd, Halim Baki Kunter, 1939. İstanbul s 12
2. Osmanlı valide sultanlarının hayır eserleri Mahpeyker Kösem Valide Sultan'ın Haremeyn-i Şerifeyn Vakfiyesi, İstanbul, Çamlıca Basım Yayın ve Tic. A.Ş. s 14
3. Surre defterlerine göre sultan II.Mahmud Han Vakfı'ndan hac yolu ve hicaz'a dağıtılan yardımlar\Fatma Soydemir\Marmara Universtesi Turkiyat Arastirmalari\2007\ Yuksek Lisans Tezi
4. Haremeyn Hayırına Kurulan Anadolu Vakıfları, Fahri Çelebi, s 35

مقام والده سلطان

از آنجا که در این مقاله وقفیاتی مهم از والده‌سلطان‌ها به حرمین بررسی می‌شود، لازم است در مورد این مقام توضیحاتی داده شود. عنوان سلطان، مخصوص مادر پادشاه حاکم بوده و سایر زنان پادشاهانی که پسر به دنیا آورده بودند، این عنوان را نمی‌گرفتند. مادران پادشاه تا زمانی که پسرشان به سلطنت برسد و امکان والده سلطان شدن را بیابند، سلسله‌مراتبی طی می‌کردند. مادران پادشاهان عثمانی در اوایل عنوان خاتون می‌گرفتند و بعدها قادن و قادن‌افندی می‌شدند. خانم پادشاهی که یک شاهزاده به دنیا می‌آورد، تا جلوس پسرش، عنوان قادن‌افندی و یا حسکی می‌گرفت تا بعداً با به حکومت رسیدن پسرش، والده سلطان شود؛ بنابراین والده سلطان نه به معنی مادر سلطان، بلکه لقب و عنوان برای مادران سلطان‌هایی بوده که به حکومت رسیده بودند.^۱

صفت رسمی آنها محده‌علیای سلطنت بود. به عنوان والده سلطان، بیشتر صفت ماجده، محترمه، والده‌ماجده و والده محترمه اضافه می‌شد و اگر پدر پادشاه در قید حیات بود، به وی والدماجد یا والدمحترم گفته می‌گفتند. هنگام به تخت نشستن پادشاه، اگر مادرش زنده بود، از سرای قدیمی که در بایزید واقع بود، به سرای جدید تویقاپو منتقل می‌شد. اگر پادشاه قبل از والده‌سلطان می‌مرد، به سرای قدیم فرستاده می‌شد. اگر شاهزاده بعد از وفات مادرش حاکم می‌شد، عنوان والده‌سلطانی به مادر رضاعی‌اش یا به تابه‌قادن (دایه‌خاتون) داده می‌شد؛ مثلاً سلطان عبدالحمیدخان دوم، مادرش را در کودکی از دست داد و مقام والده سلطانی به مادر ناتنی‌اش، زن عبدالمجید خان داده شد.^۲ بعد از وفات والده‌سلطان، وزرا چهل روز قبر

۱. اسامی مادران پادشاهان عثمانی: حلیمه خاتون مادر عثمان قاضی، مال خاتون مادر اورخان قاضی، نیلوفر خاتون مادر سلطان مراد خان، گل‌چیچک خاتون مادر ایلدرم بایزید، دولت خاتون مادر محمد خان چلبی، امته خاتون مادر سلطان مراد دوم، هما خاتون مادر سلطان محمد فاتح، گل‌بهار خاتون مادر بایزید دوم، عایشه خاتون مادر یاوز سلطان سلیم، حفصه سلطان مادر سلطان سلیمان قانونی، خرم سلطان مادر سلطان سلیم دوم، نوربانو سلطان مادر سلطان مراد سوم، صفیه سلطان مادر سلطان محمد سوم، خندان والده سلطان مادر احمد خان اول، فولانه والده سلطان مادر سلطان مصطفی اول، ماه فیروزه والده سلطان مادر سلطان عثمان دوم، ماه پیکر والده سلطان مادر سلطان مراد چهارم، ماه پیکر والده سلطان مادر سلطان ابراهیم خان، ترخان والده سلطان مادر سلطان مراد چهارم دل آشوب والده سلطان مادر سلطان سلیمان دوم، معزز والده سلطان مادر سلطان احمد دوم، گلنوش والده سلطان مادر سلطان مصطفی خان، گلنوش والده سلطان مادر سلطان احمد سوم، سبقتی والده سلطان مادر سلطان محمود اول، شهبسوار والده سلطان مادر سلطان عثمان سوم، مهرماه سلطان مادر مصطفی سوم، شرمی قادن سلطان مادر سلطان عبدالحمید اول، مهرشاه والده سلطان مادر سلطان سلیم سوم، سسینه پرور والده سلطان مادر سلطان مصطفی چهارم، نقش دل والده سلطان مادر سلطان محمود دوم، بزم عالم والده سلطان مادر سلطان عبدالحمید، پرتونیان والده سلطان مادر سلطان عبدالعزیز خان، شوق افزا والده سلطان مادر سلطان مراد پنجم، تیر مژگان قادن مادر سلطان عبدالحمید دوم، گلجمال قادن مادر سلطان محمد رشاد پنجم، گلستو خانم مادر سلطان وحدالدین خان.

Osmanlı valide sultanlarının hayır eserleri Mahpeyker Kösem Valide Sultan'ın Haremeyn-i Şerifeyn Vakfıyesi, İstanbul, Çamlıca Basım Yayın ve Tic. A.Ş. s 8

2. M.Çağatay Uluçay, Padişah kadınları ve Kızları, Anlana 1980 s 142

را زیارت کرده، قرآن می‌خواندند.

مقام والدهسلطانی از بالاترین مقام‌های حرم همایون بوده است. البته آنها نقش چندانی در سیاست و حکومت نداشتند و به امور خیریه مشغول بودند؛ گویا در امور خیریه، رقابتی جدی میانشان جریان داشت. والدهسلطان، زیردستان فراوانی در حرم داشت. او حرم را توسط خزینه دار اوستا - که خود منصب دیگری بود - اداره می‌کرد. همه امور حرم تحت نظارت او انجام می‌شد و هیچ کس نمی‌توانست از امر والدهسلطان سرپیچی کند.

رفتن والدهسلطان به بیرون از کاخ با مراسم همراه بود، مخصوصاً هنگام عزیمت از کاخ قدیم به کاخ جدید مراسمی بزرگ گرفته می‌شد^۱ که به آن آلی‌والده گفته می‌شد. به والدهسلطان‌ها مستمری نیز داده می‌شد که باشماقلق (Başmaklık) نام داشت. غیر از این تخصیصات، به آنها خوردنی، نوشیدنی و سایر هزینه‌هایشان داده می‌شد و گاه مشمول احسان پادشاه هم قرار می‌گرفتند. البته برای اداره امور مالی والدهسلطان‌ها، یک کدخدا تعیین می‌شد؛ این شخص از رجال دولت بود که به سبب قابل اعتماد بودنش، به این منصب انتخاب می‌شد.

بین همه مادران سلاطین عثمانی، ۳۶ تا ۲۱ نفر پادشاهی پسرانشان را دیده و والده سلطان شده‌اند. اولین زنی که در عثمانی عنوان سلطان گرفت، حفصه‌سلطان، مادر سلطان سلیمان قانونی بود، اما عنوان والدهسلطان برای اولین بار به مادر سلطان مراد سوم داده شد و از آن پس به همه مادران پادشاهان عثمانی - اگر مادر سلطان بودند - اطلاق می‌شد. ماه پیکر والده سلطان، در زمان سلطنت دو پسرش این مقام را داشته و همچنین در زمان نوه‌اش سلطان محمد چهارم، عنوان والده بزرگ گرفت.

ماه پیکر، والده سلطان

ماه پیکر، زن سلطان احمد اول و مادر مراد چهارم و ابراهیم خان است. وی قبل از وفات، ماه پیکر سلطان، سلطان ماه پیکر، والده سلطان بزرگ و والده معظمه و بعد از وفاتش والده مقتوله و والده شهیده نامیده شده است. او بیش از چهل سال در کاخ عثمانی زندگی کرد و در سال ۱۶۲۳م، هنگامیکه پسرش به تخت نشست، ۲۸ سال والده سلطان شد. در زمان حکومت پسرش، قدرت را در دست داشت و به نوعی نائب‌السلطنه بود. وی در سال ۱۶۴۰م. با به تخت نشینی پسر دوشمش، سلطان ابراهیم خان، برای دومین بار والدهسلطان شد.^۲

ماه پیکر به سبب قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌اش، مورد حسادت برخی منفعت‌طلبان قرار گرفت و دو جبهه از موافقان و مخالفان او ایجاد شد. مخالفان او را در سال ۱۶۵۱م، بعد از نماز تراویح رمضان شریف، در اتاق مخصوصش - که به آن نهانخانه گفته می‌شد - به شکل فجیعی با طناب خفه کردند. وی را در استانبول،

1. Vasıf, Tarihi Vasıf, 1219, I s 42

2. Osmanlı Valide Sultanlarının hayır eserleri ,Mahpeyker Kösem Valide Sultan'ın Haremeyn-i Şerifeyn Vakfiyesi, İstanbul , Çamlıca Basım Yayın ve Tic. A.Ş. s 8

در گنبد سلطان احمد اول دفن کردند.^۱ در تاریخ عثمانی جز او، هیچ والده سلطانی به قتل نرسیده و این امر، حکایت از نفوذ فوق‌العاده او دارد. از سوی دیگر، امور خیریه زیادی که انجام داده و وقفیات متعدد وی، دلیل دیگری بر این ادعاست.

خان والده؛ وقفیه ماه پیکر برای مسجد چینی لی

کاروان سرای خان والده یا بیوک خان والده، از مهمترین بناهای محل اسکان ایرانیان در استانبول است است توسط ماه پیکر ساخته شده است.

کاروان سرای والده خان را سلطان ماه پیکر در زمان حکومت فرزندش، سلطان مراد چهارم (۱۶۳۲-۱۶۴۰م) ساخته است. هدف وی آن بوده که درآمد این کاروانسرا را وقف مسجد چینی لی کند که خود در اسکودار ساخته بود. در کتاب *حدیقه الجوامع*، اثر ایوان سرایی حسین افندی از اینکه درآمد مسجد چینی لی از وقف کاروان سرای والده خان تأمین می‌شده، سخن رفته است در زمان ساخت آن، کاروان سرای بزرگ دیگری به جز کاروان سرای محمود پاشا وجود نداشت. کاروان سرای والده خان سنگ نوشته‌ای ندارد و معمارش مشخص نیست، اما می‌دانیم که در قرن ۱۷م. ساخته شده است، البته بعضی منابع، به‌طور دقیق‌تر تاریخ ساخت آن را ۱۶۵۱م. گفته‌اند. این کاروانسرا در آن سال در سرایشی چگماق چیان ساخته شد.^۲

آنچه در مورد بیوک والده خان^۳ اهمیت بسیار زیادی دارد، آنکه یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع ایرانیان مقیم استانبول بوده است. در گذشته ایرانیان مجرد و متأهل در استانبول، مناطق و اماکنی مخصوص به خود را داشته‌اند که یکی از معروف‌ترین آنها همین کاروان سرا بوده است. البته غیر از این، ایرانیان زیادی در طول تاریخ به ویژه بعد از صفویه، در استانبول سکنی داشته‌اند و برای خودشان بیمارستان، قبرستان، خانقاه، مدرسه و سفارتخانه ایجاد کرده‌اند. تا سال ۱۹۲۷م. در ترکیه، آیین‌های مذهبی که برای مردم ایجاد مزاحمت می‌کرد، ممنوع شده بود، اما ایرانیان در ماه محرم داخل این کاروانسرا آیین سوگواری برای امام حسین (ع) برپا می‌داشته‌اند.

1. Hakkı Önkal, Osmanlı Hanedan Türbeleri Ankara, 1992, s 195

۲. اسری دوغان، استانبول ایرانیان و کاروانسرای والده خان. پیام بهارستان. ش. ۴، ۱۳۸۸، ص ۴۹۱
۳. امروزه والده خان در منطقه کاروانسراها در قسمت امین اونو که به شبه جزیره تاریخی استانبول مشهور است، قرار دارد. این کاروان سرا دارای دو طبقه و سه صحن است و میان کاروانسراهای استانبول، بزرگ‌ترین کاروانسرا به شمار می‌آید. البته کاروانسرای محمود پاشا هم حداقل وسعتی به اندازه آن دارد، با این تفاوت که تنها یک کاروان سرا نیست، بلکه یک مجموعه است. محل کاروانسرا در منطقه مرجان است که یک منطقه مهم تجاری است. اصطبل آن به زیرزمین صحن دیگر منتهی می‌شود؛ به طوری که جایگاه حیوانات کاملاً از محل زندگی انسان‌ها جدا می‌شود. این ویژگی میان کاروانسراهای ترک، پدیده تازه‌ای بوده است. به صحن سوم «خان صغیر» گفته می‌شد و این صحن از بقایای دوران بیزانس بوده است در صحن اول و دوم ۱۵۲ و در خان صغیر ۵۷ اتاق یعنی جمعاً ۲۰۱ اتاق وجود دارد.

سایر وقفیات ماه پیکر

ماه پیکر یکی از ثروتمندترین افراد آن دوران بوده؛ به طوری که در زمان حیاتش، ثروتی بیش از سیصد هزار قروش^۴ داشته است. وی همه ثروتش را صرف امور خیریه نمود. ماه پیکر صاحب سرزمین‌های وسیعی بود، با این حال مانند والده سلطان‌های پیشین، مجموعه‌های بزرگ خیرات و وقف نداشت. وی در آناتولی قاواغی مسجدی بنا کرد که دو طبقه و مشرف به تنگه استانبول بود و ساختش در ۱۶۲۳م. به اتمام رسید. همچنین در استانبول مسجد و مدرسه والده ساخته و در رومعلی اوقاف و خیرات ارزشمندی دارد. چشمه‌های بی‌شمار در استان‌ها و شهرستان‌های عثمانی نیز از اوست.^۵ در سال ۱۶۴۰م. در اسکودار استانبول مجموعه چینی شامل مسجد، حمام عمومی مردانه و زنانه، مدرسه، دارالحدیث، مکتب‌خانه، بیمارستان، چشمه و محفل همایون را ساخت.^۶ ساخت این مجموعه در سال ۱۶۴۰م. به پایان رسید و چنانکه اشاره شد، ده سال پس از آن والده سلطان برای درآمد این مجموعه، کاروانسرای بزرگی در استانبول به نام بیوک والده‌خان ساخت.

ماه پیکر عادت داشت در ماه رجب تغییر قیافه داده، بین مردم می‌آمد و به امور آنها رسیدگی می‌کرد. وی زکات و صدقه می‌داد و بدهی محبوسین را پرداخت می‌کرد. او کنیزهایش را بعد از چند سال کار با همراه کردن پول و جواهر و جهیزیه شوهر می‌داد. در یونان که در آن زمان در قلمرو عثمانی بود، روی نهر بادرا پل هفت چشمه و در برکه بزرگ واقع در راه حج، منزلی به نام جدید ساخته. همچنین در قاهره ترازوی آب (دولاب) و در قونیه نیز کاروانسرا دارد.

از دیگر خیرات والده سلطان، تهیه آب در راه حج و کمک به محتاجین در راه مکه و مدینه بوده که وقف‌نامه آن امروز در کتابخانه ملت استانبول در بخش کتاب‌های تاریخی علی امیری افندی به شماره ۹۳۱ و در نوزده برگ باقی است. این وقف‌نامه که در سال ۱۶۲۶م. تنظیم شده، شامل اسامی افراد مهم آن دوران بوده است. همچنین طغرا، مهر تذهیب‌دار سلطان احمدخان اول (۱۶۰۳-۱۶۱۷) و خط همایون به عبارت «بر وجه مشروح مقبول همایون شده» در آن وجود دارد. در این وقف نامه عبارت «منظور ما شده است» نوشته شده و زیر آن مهر خورده است. در مجلسی که وقف‌نامه نوشته شده، سلطان حاجی مصطفی آقا قزلار آقاسی، وکیل والده شده و از آقاوات حرم^۷، صفر آقا متولی این وقف شده‌اند. شاهدان این معامله نیز از دولتمداران معروف آن دوره بوده‌اند. همچنین والده سلطان درآمد هشت روستای واقع در جزیره ایگری‌بز در دریای اژه را وقف کرده که این وقف بالغ برشش هزار سکه حسنه بوده و ناظر آن آقای دارالسعاده بوده است.^۸

۴. واحد پول عثمانی

5. İbrahim Hilmi Tanışık, İstanbul Çeşmeleri, I, II İstanbul 1943 s c I 74 .

6. Hüseyin Ayvansarayı Hadigatul Cevami, c. II İstanbul 1281 s 144

۷. خواجه‌های حرمین الشرفین

8. Kösem Sultanın Vakfiyesi, Ali Emiri Kütüphanesi, Tarih Kısmı numara 931 s 1-19

متن وقف‌نامه ماه پیکر^۱

[۱] هزار ستایش، سپاس بی‌قیاس و بی‌شمار، حمد اخلاص اساس قبول استیناس، باده مبادی عالم و بانی مبانی آدم، خالق و رازق بشر و نعم ملک کل ملک مال بوده، مالک ذوالجلال والکرم و واقف کل حال بوده سلطان ذی‌القدم [ب۱] - جل ملکه و سلطانه، عم بره و احسانه - به حضرت جناب مقدس و منزّه که کافه کاینات را بر نظام بدیع ابداع و بر اسلوب منیع اختراع کرده و به هر فرد فردانیت و به الهیت او دلیل ظاهر کرده و صلاه و اصلاّت و تحفه تسلیمات متواسلات آن، فاتحه سوره نبوت و خاتمه رساله رسالت، سرور کل شفیع مشفع روز محشر، مستنید سند اصطفی ابوالقاسم [۱۲] حضرت محمد مصطفی - علیه‌السلام - ما طلع الشمس علی العنّام، به آن جناب که اصحاب حسنات و ارباب مبرات آن لواجم انوار با شرع مبین به سبیل سوی سلامت آن هدایت کرده و رحمت بی‌حساب رب الارباب اول زمره آل و اصحاب بر روی آنها که تکثیر معالم الخیرات جلیله و در باب توفیر مراسم دین و مبرات علیه هر کدام آن جد بلیغ و وسیع بی‌دریغ بوده رضوان الله تعالی علیهم‌الاجمعین.

طغرای پادشاه، بر وجه مشروح مقبول همایون شده [۱۴]

و اما بعد طالبه این وثیقه انیقه صحیحه شرعیّه و صاحبه حسنات و خیرات سلطان اعظم و خاقان اکرم، باسط بساط العدل والکرم مالک الامانت العظمی، وارث الخلافه الکبری، مستخدم اصحاب السیف والقلم، مستعبد ارباب الطبل والعلم، مالک الممالک العالم ذل الله الظلیل [ب۴] علی کافه الامم کاسر الاکاسره، قاهره القروم، سلطان العرب و العجم و الروم، ملک البرین و البحرین، خادم الحرمین الشرفین، آل سلطان بن السلطان السلطان احمدخان، اعلى الله تعالی اعلام سلطنته الی یوم‌الدین و احکم احکام معدلته عن متشابه النسخ و التمکین حاصکیه [۱۵] حضرت بوده سیده المحذرات کلیه المحصنات رفیعہ الدرجات ذات‌العلی و السعادات، مهر سپهر عفت بدر اوج عصمت در دریای دولت و اقبال گوهر کان عصمت و اجلال المتحصنه بغایه الملك المستعان، رابعه‌الدوران، فاطمه‌الزمان، عایشه‌الانوان، ماه پیکر سلطان - دامت عفتها [ب۵] و زادت عصمتها - از طرف قرین الشریف ایشان قرار وقف مذکور شده، بر وجه مشروع و معروف رجوعه دعوا حصم جاحد در شرعی مخضر آن نهج معتبر بر وجه مرعی از آقایان دارالسعاده العلیه عمدہ الخواص و المقربین، قدمه الاصحاب العز و التمکین فعلا که ایشان باش قاپو [۱۶] اوغلانی^۲ است به نام محمد آقا بن عبدالمنان و اسماعیل آقا بن عبدالحنان با شهادتشان شرعاً و کالت ثابت شده افتخار الخواص و المقربین، مختار اصحاب‌العز و التمکین، معتمد الملوک و السلاطین، انیس الحضرة العلیه الخاقانیه، جلیس

۱. این متن در نسخه کتبخانه ملت در استانبول قسمت علی امیری شماره ۹۳۱ بین صفحات ۱-۳۷ نگاهداری می‌شود.

Mahpeyker Kösem Valide Sultan'ın Haremeyn Şerifeyn Vakfiyesi, Çamlıca basım Yayım, İstanbul, Tarihsiz, kitabın ek kısmı

2. Başkapioğlanı.

باشقاپو اوغلانی یکی از منصب‌های حرم عثمانی بوده است.

السعاده السنیه، السرمديه ذوالقدره الكامله و العزه الشامله، المحفوف بصنوف عواطف الملك المنان الحاج [٦] مصطفى آقا بن عبدالحنان حضرت ايشان مجلس شرع شريف راسخ الاركان و محفل دين منيف از شامخ بنیان .

وقفی که مورد ذکر است به خاطر تسجیل متولی، نصب و تعیین شده؛ یعنی فخرالاقربان سفر آقا ابن عبدالمنان در محضر بالوکاله با اقرار تام و تقریر کلام کرده موکل من واقفه مومی علیها [٧] دنیت این دنیا را به فریب آن مغرور نشده از حضرت رب عزت علت کلمه و جلت، عطایای جلیله و مواهب علیه که به او واصل شده و آن تعدوا نعمه الله لاتحصوها برای وقفش خدّ و عدّ آن عدم امکانش معلوم شده ما عندکم ینفدو و ما عندالله باق به مفهوم شریف به قلبشان منساق شده است. عواطف علیه سلطان و مواهب سنیه خاقان بر مقتضای [٧] امر جلیل القدر احسن کما احسن الله الیک کافه انام و به جمله خاص و عام شامل شده، سلطان علی الشان لازالت مائره الفاخره زینه الصحایف الزمان قاصم القیاصره و قاهر القروم سلطان العرب و العجم و الروم، حضرت واقفه جلیله الشان به حضرت اسکنها الله تعالی فی علی غرف الجنان [٨] ولایت روم در سانجاق اغریبوز واقع از خاصه لواطیه (روستای غرب شمالی یونانستان) هبه و تملیک کرده و ملک‌نامه همایون احسان فرموده.

اسامی آن قرا: دادی و رهوه و دیقیوز و فیله و وادیه و اکسرخوره و مارت موثوق و غرانتچه است که همه آنها [٨] حدود و سنور نامه و ملک نامه اش مسطور و معلوم است، غیر از آنها بی که لازمه استشنا شدن از شرع دارند؛ هر کدام از آنان حدود معلومه مساجد و معابد و طریق عام و شوارع عظام و اراضی مقابر و اوقاف و در سایر اماکن واقفه سالفه الاوصاف تقبل الله تعالی منها هذه الاوقاف از عواطف علیه [٩] سلطانیه احسان فرموده شده ملک نامه همایون بر مبنای مضمون قرای مزبور در داخل آن ملک شده اشیا وقف و تسبیل شده.

بعد از آن حضرت واقفه جلیله الشان و جمیله العنوان چنین شرط و بیان فرمودند که ربع حاصل نمای آن هر سال روستاهای مورد ذکر و از حجج کرام و مسلمین ذوی الاحترام هر سال از شام شریف به بیت‌الله [٩] که متوجه می‌شوند، فی سبیل آنها سی رأس شتر با اجرت اجاره شود، پنج رأس آنها چادر و اسباب سقاها گذشته شود و ٢٥ رأس آن آب حمل می‌کنند و در راه هر نوع تشنه را سبیل داده شود و از آن شتر، سی رأس نیز اجاره شود؛ آب تحمیل شود که کسانی که در راهها آب ندارند و جاهایی که ضرورت [١٠] کشیده می‌شود، در آن مواضع به هرگونه عطشان سبیل شود. دوازده نفر نیز با پول اجاره شود که شش نفر آن شتربان آن شترها و شش نفر آن سقا شود و برای ذخیره آنها هفت و نیم شامی قنطار بکسماد (نان خشک) و به مقدار کفایت برنج و عدس و ترخینه و بلغور و روغن و شیره انگور و پنیر و انار و پیاز و نیازمندی‌های پوشش آنها تهیه شود.

[١٠] خیکهای آبی، سه قطعه نمد و برای زیرانداز آنها صد قطعه حصیر و برای مرمت آن ٢٠ قطعه

مشین(جرم) و برای آب به خیکها ۴ قطعه سطل و یک قیف معروف به /اورغانی زمال شصت وقیعه^۱ رأسا و شصت عدد چنگال اشترا شود برای سقاها. هر سال یک چادر و پکسمت و سایر ذخایر آنها برای آن شش جفت غرار^۲ [۱۱] و یک جفت صندوق جبانین و برای طبخ طعام یک جفت دیگ اشترا شود به فقرای مکه مکرمه و شرفه الله تعالی. هر سال صد عدد پیراهن و صد عدد عبا و به فقرای مدینه منوره نیز همچینین صد عدد پیراهن و صد عدد عبا و برای توزیع در راه به محتاجین نیز صد عدد پیراهن و صد عدد عبا خریده شود و بر وجه مشروح [۱۱ب] به محتاجین توزیع شود و صد جفت ایچاد (کفش) و باشماق نیز اشترا شود؛ ۵۰ جفت آن به صلحای مکه مکرمه و ۵۰ جفت آن به صلحای مدینه منوره توزیع شود و ۴۰۰ جفت پابوج^۳ اشترا شود هر سال فقرای پا برهنه بینشان توزیع شود. برای ایصال فقرای پیاده که در راهها خسته مانده‌اند، از یک اتراق تا به یک اتراق دیگر شترهایی اجاره شده که [۱۲ب] هر سال ۶۵ اجرت حسنه^۴ داده شود و صد عدد خرجی دلبند(روسری) و صد عدد عرقیه خریده شود هر سال به فقرای راه به سربرهنه توزیع شود و به روح شریف واقفه مشارالیه در طواف بیت‌الله‌الحرام و در زیارت روضه رسول (ع) که به هر نفر ۵۰ [۱۲ب] فلوری^۵ داده شود و این چنین ذکر شده مصارف جمعاً ۴ هزار حسنه صرف شود و مازاد آن بین فقرای مزبور مبنی بر این امثال و مصارف مهمه آنان مصرف شود و نیز شرط کرده‌اند که در مکه مکرمه در بعد از نماز، سی و سه نفر از اغوات سه اخلاص شریف و یک فاتحه شریف تلاوت کنند و هر سال به هر کدام آنها ده فلوری [۱۳] داده شود و شیخ الحرم بر آنها نظارت نماید که بابت نظارت، بیست فلوری به وی داده شود و نیز در مکه مکرمه بعد از صلاه فجر ۱۹ نفر نیز از قرآن کریم یک جزء شریف تلاوت کند؛ به هر کدام ۱۰ فلوری داده شود و به خادمان زمزم شریف ده حسنه داده شود و به مشدان مکه مکرمه سی حسنه [۱۳ب] داده شود و به هر دو امام ۵ فلوری داده شود. چهل نفر آقای صغه واقع در مدینه منوره سه اخلاص شریف و یک فاتحه شریف تلاوت کرده، به هر کدام هر سال ده حسنه داده شود و باز از اغوات ذخیره ۲۵ نفر آقا هر روز سه اخلاص شریف و یک فاتحه شریفه تلاوت کرده و هر کدامشان هر سال ده حسنه [۱۴] داده شود و به نایب الحرم به جهت نظارت بر آنها، سی حسنه داده شود؛ به شیخ الحرم ده حسنه و آقای خزینه‌دار نیز سی حسنه داده شود و نیز در مدینه منوره در وقت صبح و عصر سی و دو نفر یک جزء تلاوت کرده، به هر کدام آن به هر سته سی حسنه داده شود.

و کسیکه نایب الحرم است این اجزای [۱۴ب] شریف ذکر شده را ناظر شده و به جهت نظارت بیست فلوری داده شود و به سردسته محفل و حافظ اجزای مرقومه و به هر سال ۸ حسنه داده شود و به کسیکه در جامع شریف حضرت رسول اکرم سجاده امام را باز و بسته کند، ۵ حسنه داده شود و به مشدان مدینه

۱. به شکل وقیه نیز خوانده می‌شود، از واژه عوقه می‌آید.

۲. کیسه بزرگی معروف به حرار.

۳. این واژه از واژه پاپوش می‌آید و امروزه نیز در زبان ترکی پابوج استفاده می‌شود.

۴. سکه حسنه؛ به جای پول استفاده می‌شد.

۵. سکه طلا که در فلرانس (Floransa) ضرب شده است و روی آن گل زنبق کشیده شده است.

منوره سی حسنه داده شود و به کسیکه در حرم [۱۱۵] روضه مطهره از چاه آب می کشید، ۵ فلوری داده شود و هفت نفر مجاوران مدینه منوره ده حسنه و یکی از آنها نه حسنه و چهار نفر آن ۸ حسنه داده شود و در قدس شریف روضه شریف حضرت موسی (ع) به هر کدام از سی و یک نفر هر کسی که یک جزء شریف تلاوت کند، سالیانه [۱۱۵ب] به هر کدام آنها شش حسنه داده شود. و به کسیکه به اجزای مرقومه ناظر است، به جهت نظارت به هر سنه، بیست حسنه داده شود و ناظر آن بر حسب خدمت دارالسعاده آقایانی که متشرف شدند، از این جمله نیز دو هزار حسنه شده و ۴ هزار حسنه در بالا ذکر شده، جمعاً ۶ هزار حسنه شده.

اشیای وقف شده را به جملتها سالف‌الذکر به متولی صفر آقا تسلیم کرده، آنها نیز بر حسب تولیت [۱۱۶] قرای مذکوره را قبض و ضبط کرده‌اند. چنین گفته اقرار صحیح شرع و اعتراف صحیح مرعی کردند. بعد از آن مقرر قوم جمیع در اقرار مشروح آن صفر آقای مزبور بالمواجهه تصدیق و تحقیق کرد. بعد از اینکه امر وقف تمام شده، حضرت وکیل مشارالیه حلیه تراف و با جلد عطف عنان مقال کرده، موکل من حضرت سلطان مومن علیها به اشیای مسفوره [۱۱۶ب] کماکان سلک ملکشان ادخال مراد فرمودند.

امام اعظم همام اقدم و افخم سراج‌الائمه مقتدی الایمه کاشف‌الاسرار، الحقایق موضع‌الاسرار، الدقایق سلطان سریرالاجتهاد، حجت‌الحق علی کافه‌العباد، حضرت ابی‌حنیفه نعمان بن ثابت الکوفی جوزی خیر الجزا و مبنی بر کوفی مذهب شریف وقف مزبور غیر لازم شدنش از اشیای مرقومه [۱۱۷] وقفیت آن به حسب‌الوکاله رجوع کردم. متولی مزبور با مأمور به قصر ید شدنش مطلوب من است. گفته متولی مرقوم نیز فی‌الموجه جواب باصواب داده، اگر چه حال مبنی بر منوال امام ماهود مذهب شریف ذکر شده است، لکن امام هم‌امین بدرین نیرین، ابویوسف یعقوب‌الامام ثانی و امام محمد بن حضرت الحسن الشیبانی در نزد آنها این [۱۱۷ب] وقف شده اشیایی که به متولی تسلیم شده، وقف آن لازم است. این بی مراد است.

در این حال صحت وقفیت وقف مزبور با حلیه لزوم محلی بوده، مبنی بر این باب رجوع منسد بودنش محل ارتیاب نمی‌شود. گفته وقف مذکور که در این مجله جلیله مسطور است، مبنی بر شرع شریف تسجیل و بنیان خیر جمیل به تکمیل آن مأمور شده، قدرت‌العلمای المدرسین [۱۱۸] کرام موقع کتاب مستطاب جناب فضیلت اکتساب حکم طلب کرده، آنها نیز در جانبین تعامل و در مرام فریقین تفکر و اهتمام کردند. عالمماً بتفصیل الخلاف فی مسائل المواقف بین الایمه الاسلاف الاشراف صحه و لزوم وقف مزبور را صریح مرعی کردند، بعد از نقض و نقص آن مجال محال و ابطال و احلال آن ممتنع الاحتمال [۱۱۸ب] شده است. فمن بدله بعدما سمعه فانما اسمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع العلیم و اجر الواقفه علی الحی الجوادالکریم جری ذلک و حرر فی اوائل المحرم الحرام من شهر سنه ست و عشرين و الف

شهودالحال

ما هو المحرر فی هذه المسطور اطلعت لها بلا نقصان و قصور و انا الواثق بالملك الجمیل خلیل پاشا المامور بخدمت الوزارة العظمی، ماهو المسطور فی هذه المنشور وقع عندی خالیا عن القصور و انا الفقیر احمد پاشا وزیرالثانی [۱۱۹] ماسطر فی هذه الكتاب محقق بلا شبهه و ارتیاب و انا عبدالودود داود پاشا وزیر.

ماحرر فی هذا الوثیقه وقع عندی علی نهج الحقیقه و انا الفقیر حسن پاشا الوزیر. و انا ایضا شاهد بها الفقیر الی ربه الملك الودود و محمود پاشا الوزیر. و انا شاهد بحقیقه الهذه الصحیفه علی پاشا الوزیر و القیودان.

وقفیه زن سلطان سلیمان قانونی بر حرمین

وقفنامه دیگری که ارائه می‌شود، مربوط به زن سلطان سلیمان قانونی بر حرمین بوده است. وی که در اصل نامش رکسلانه بوده، در سال ۹۶۵م. وفات یافته است. رکسلانه اموال زیادی را وقف کرده و در استانبول، وقف‌های امارت، مدرسه، بیمارستان، مکتب و پل‌های گوناگون، مخصوصاً روی نهر مریچ بلغارستان و راه‌آب‌های ادیرنه، پایتخت قبلی عثمانی دارد؛ همچنین مؤسسه خیریه‌ای در مکه مکرمه و مدینه منوره برای فقراى مسلمان و طلاب علم، همراه با امارات و آشپزخانه ساخته است. مهمترین ابنیه در مکه مکرمه، آشپزخانه مخصوص بوده که همه هزینه‌های آن از جمله هزینه خرید وسایلش را تأمین می‌کرده است. این وقفنامه ۲۱ ورق است که جعفر آقا بن عبدالرحمن که در کاخ عثمانی آقای حرم بوده و شهیدعلی و یعقوب آقا بن عبدالرحیم، رئیس خزینه سلطنت و یوسف آقا بن عبدالمعین، شاهدان آن بوده‌اند. این وقفیه نیز مثل وقفنامه والده سلطان ماه پیکر، به طور کامل به دست ما رسیده است. ایشان از هدایایی که سلطان سلیمان قانونی به شکل اراضی به قریه‌های مصر (۲۴ قریه) داده، به فقراى مکه و مدینه و اهالی اش وقف کرده که در وقفنامه، اسامی آنها ذکر شده است. متن اصلی این وقفنامه به زبان عربی نیز ترجمه شده است.^۱

بخشش از خزینه مصر به فقرا و ساکنان مکه مکرمه و مدینه منوره سه هزار سکه طلا، تقدیم به روح عزیز مادر شاهزاده سلیم.^۲

۲۵ب ۹۶۷ ۲۱,۴,۱۵۶۰^۳

تعمیر انبارهای محصولات اوقاف امارت و دارالشفای والده سلطان در مکه مکرمه و تجدید پرده کعبه بعد از سال ۷۰ و ۸۰^۴.

به سبب فوت فاطمه سلطان صاحب وظیفه فراست^۵ یک در چهار قرات^۶ روضه مطهره و کعبه معظمه و تفویض این وظیفه به شاهزاده احمد جلال الدین، هفدهم شوال ۱۲۶۴^۷.

هجدهم تموز ۱۸۴۸ تبدیل مدرسه به رباطی مختص زنان بیوه به جهت عدم کفایت بودجه که در مکه

۱. اوقاف النساء السلاطین العثمانیین علی الحرمین الشریفین ماجده مخلوف دارالافاق العربیه ۲۰۰۶ قاهره ص ۷-۲۱.

2. Osmanlı Arşivlerinde Hicaz I-II, Çamlıca yayınları, İstanbul, ۲۰

3. Başbakanlık Osmanlı Arşivleri, A.DVNS.MHM.D 3-990

4. BOA, C.IKTS.600

۵. اوقاف النساء السلاطین العثمانیین، وقفیه زوجه سلطان سلیمان القانونی علی الحرمین الشرفین ماجده مخلوق، دارالافاق العربیه، ۲۰۰۶، ص ۱۳.

۶. همان، ص ۱۶.

7. BOA, Muzehhep Fermanlar, 654/1

وقف‌های زنان عثمانی و وقفیه والده سلطان ماه پیکر/ اسرا دوغان

مکرمه ساخت آن ادامه دارد، هشتم جمادی‌الآخر ۱۲۷۸^۱.

اعزام بازرسانی برای بازسازی ساختمان‌هایی که خیرات عادلّه سلطان در جوار مدینه منوره است^۲.
تسلیم صره فرستاده از اوقاف صفیه سلطان، زاهده سلطان مرحوم الحاج ابوبکر پاشا بر محل موردنظر، ۲۰
جمادی‌الآخر ۱۱۷۳^۳.

صفحه آخر دفتر صره، به تاریخ ۱۰۲۰ هجری تأخیر سه ساله پول مرحومه خانم سلطان که به عنوان
صدقه می‌فرستاد^۴.

والده سلطان پرتونیا در مدینه منوره غیر از این وقفیه بیمارستان نیز ساخته بود. البته در طول تاریخ،
زنان مسلمان بیمارستان‌ها و اوقاف بی‌شماری بنا کرده‌اند؛ به عنوان مثال در دوره سلجوقیان آناتولی،
شفاعیه گوهر نصیبیه در قیصیریه (۱۲۰۵ م.)، بیمارستان قتلق ترکان خاتون در کرمان (۱۲۷۱ م.)، دارالشفای
حسکی خاتون (۱۵۳۹ م.)، دارالشفای مانیسا (۱۵۵۴ م.)، بیمار خانه والده عتیق در اسکودر (۱۵۸۳ م.) و
بیمارستان وقف غربا در سال (۱۸۴۳ م.)، تنها چند نمونه از مؤسسات بهداشتی احداث شده توسط زنان
هستند.

بیمارستان پرتونیا، وقفیه دیگری از یکی از زنان مسلمان عثمانی بوده است. پرتونیا سلطان اقبال،
همسر اول سلطان محمود دوم و مادر سلطان عبدالعزیز است که از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۷۶ م. در مقام والده
سلطان باقی ماند. وی در سال ۱۸۸۳ م. وفات یافت و قبرش امروزه در گنبد آق‌سرای استانبول - که مسکن
و جایگاه ایرانیان است - واقع شده. او غیر از ساخت آثار خیریه بی‌شمار در مدینه، بیمارستان (خسته‌خانه)
غربا را بازسازی کرده است. پرتونیا، قصد قطعی برای بازسازی بیمارستان وقفی که معروف به ابنیه خیریه
بود، داشت و بازسازی آن را در سال ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م. به پایان برد. با وجودی که در سال ۱۸۷۶ م. مقام
والده‌سلطانی‌اش به اتمام رسیده بود، این امر خیریه را رها نکرد و به سرانجام رساند.

این بیمارستان که از بسیاری جهات با دیگر بیمارستان‌ها تفاوت داشت، مختص زنان فقیر بود و به
بهترین نحو برای آنها در سه طبقه بنا شده بود. برای انطباق با موازین اسلامی، اتاق‌های مخصوص به
آقایان که شامل اطباء، مدیران و آقایان حرم بودند، بیرون بیمارستان قرار گرفت. ساختمان‌هایی کوچک
نیز برای آشپزخانه، داروخانه و غرفه‌های خدمتکاران ساخته شد. داخل این بیمارستان که از سنگ ساخته
شده بود، ۳۷ اتاق دلباز لباس‌شویی‌خانه و حمام و چهارصد عدد رختخواب مریض وجود داشت و هر اتاق
گنجایش ۲۵، ۱۵، ۵ یا ۳ نفر را داشت^۵.

خیریات زنان سلاطین عثمانی زیاد بوده است؛ مثلاً رباط خاصکی سلطانیه یا (الخاصکیه): این بانو خواهر

1. BOA, A.MKT.NZD 384-18

2. BOA, Y, PRK, HT.17-13

3. BOA C.ML.1597

4. Başbakanlık Osmanlı Arşivleri , EU.HMK.SR.D 5

5. Pertevniyal Valide Sultan'ın Medine'de Yaptırdığı Hastane, Doç.Dr.Nil Sarı, I.Türk Tıpp Tarihi Kongresi , İstanbul 1988 TTK , s 65

سلطان سلیمان، پسر سلیم بود. وی رباط را در سال ۹۴۰ ق. نزدیک باب عالی ساخت. در واقع این رباط، اولین رباطی است که عثمانیان ساخته‌اند. غیر از این، رباطی در مکه توسط یکی از دولت‌منصبان بیگلرگ عثمانی در سال ۱۳۱۸ م ساخته شده بود. دیگر رباط عایشه البکائیک است. وی دختر احمد افندی بوده که رباط را در ناحیه بازار الصغیر در سال برای دختران مجرد وقف کرده است.^۲ غیر از این دو وقفیه مهم، وقفیه‌های مهم دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به طور خلاصه، تنها اسامی آنها را می‌آوریم.^۳

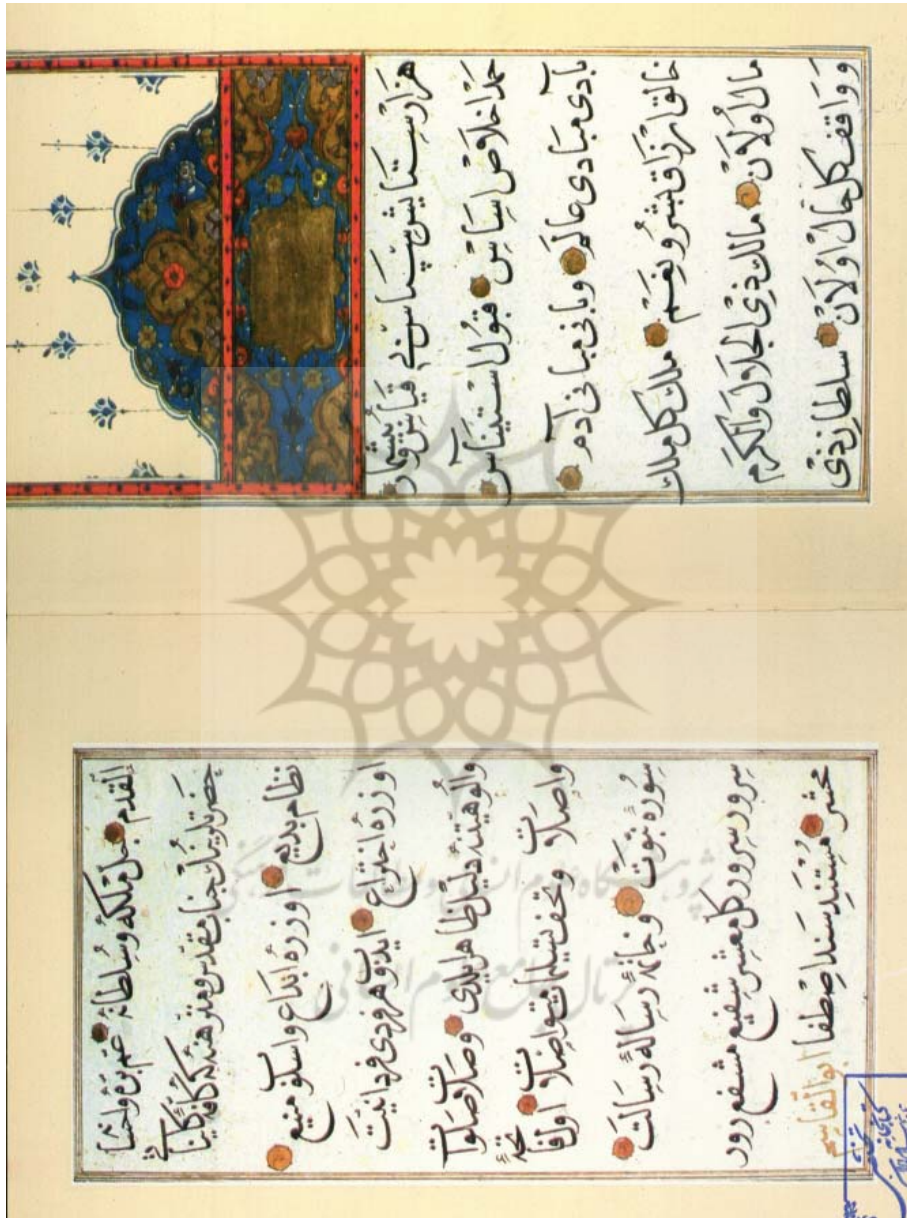
وقفیه‌های زنان پادشاهان عثمانی:

خدیجه تورخان سلطان، مادر سلطان محمد چهارم؛^۴ وقفیه دارالشفای والده سلطان گلنوش امه الله؛^۵ وقفیه گوهرخان سلطان؛^۶ وقفیه زینب سلطان؛^۷ وقفیه جان فداخاتون؛^۸ وقفیه صنوبر خاتون و^۹ ترجمه حجت مربوط به وقف‌های خاتون.^{۱۰}

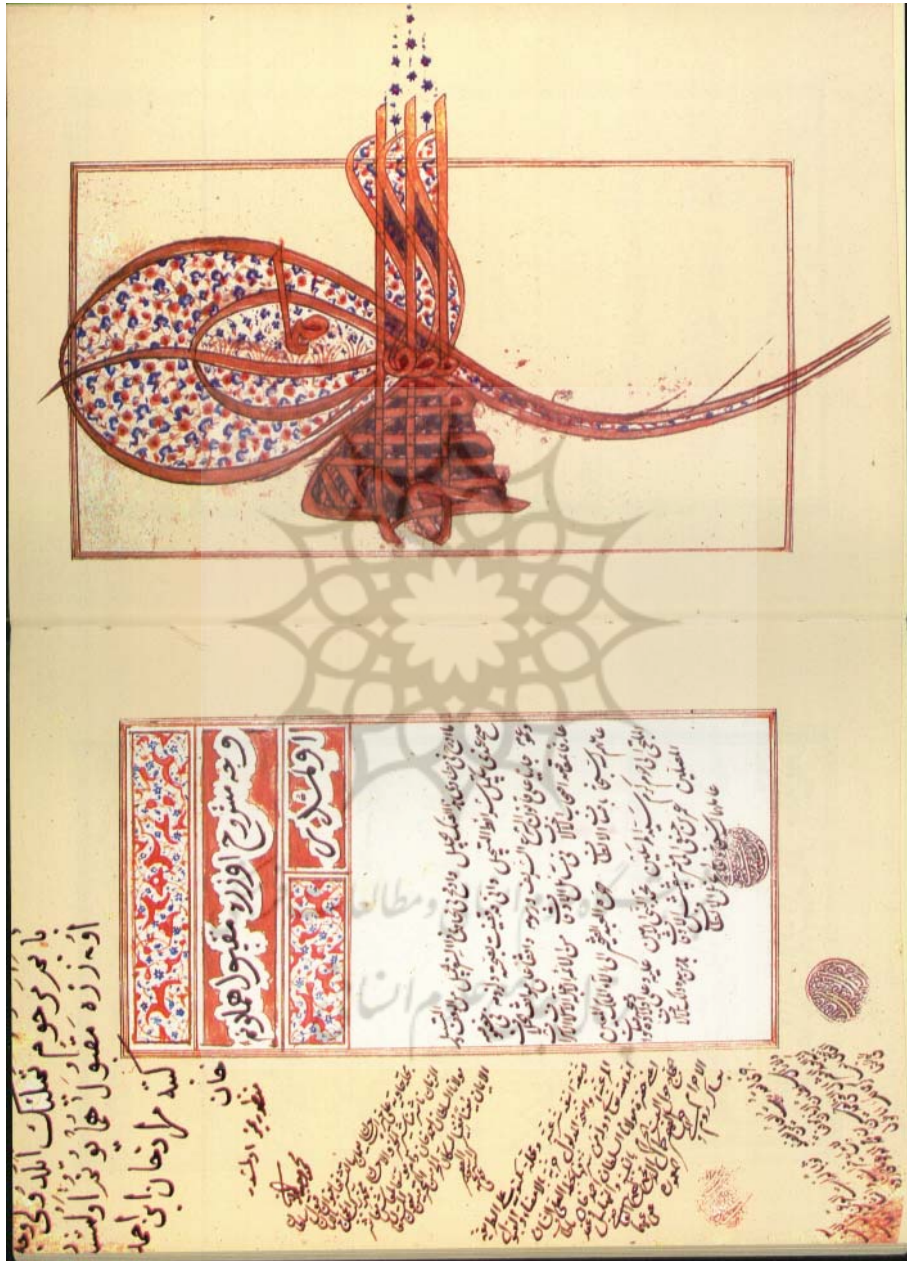


شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. الاربطه فی مکه المکرمه، ج ۱، ص....
2. Bahri Memlukler döneminde Harameyn hizmetleri, Fatih Yahya Ayaz, 1998 s 23 Tez (Yüksek lisans), Marmara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü İslam Tarihi
3. XVI.-XVII. yüzyıllarda Osmanlı Devleti'nde Haremeyn Vakıfları ve ehemmiyeti. Mustafa Güler. 1999 , 198 s, Tez (Doktora).--Marmara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
4. Hatice Turhan Sultan Vakıf şartlarını tebdiline dair belge , Vakıflar Genel Müdürlüğü Arşivi No 744.41
5. Emetullah Gülnuş Valide Sultan'ın Daruşşifa Vakfiyesi , VGMA, Kasa 143-144 vr. 1
6. Gıvgerhan Sultan Vakfiyesi , VGMA, 743, 165
7. Zeynep Sultan Vakfiyesi, VGMA, 28-1746
8. Canfeda Hatun Vakfiyesi, VGMA, 741, 23
9. Sanovber Hatun Vakfiyesi , VGMA, 643-557-558
10. Hani Hatun Vakfı ile ilgili bir hüccet Tercümesi, VGMA, 1763, 96



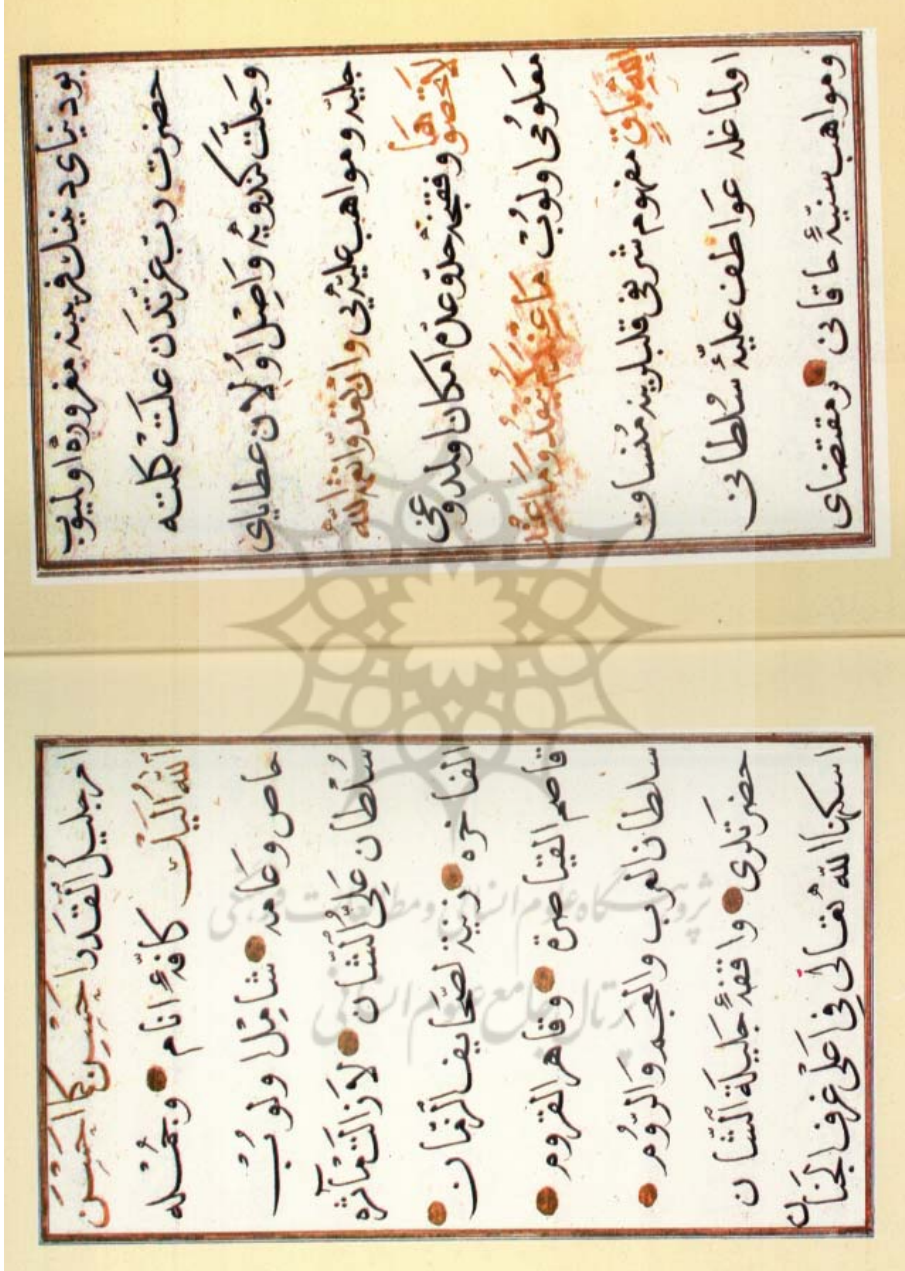




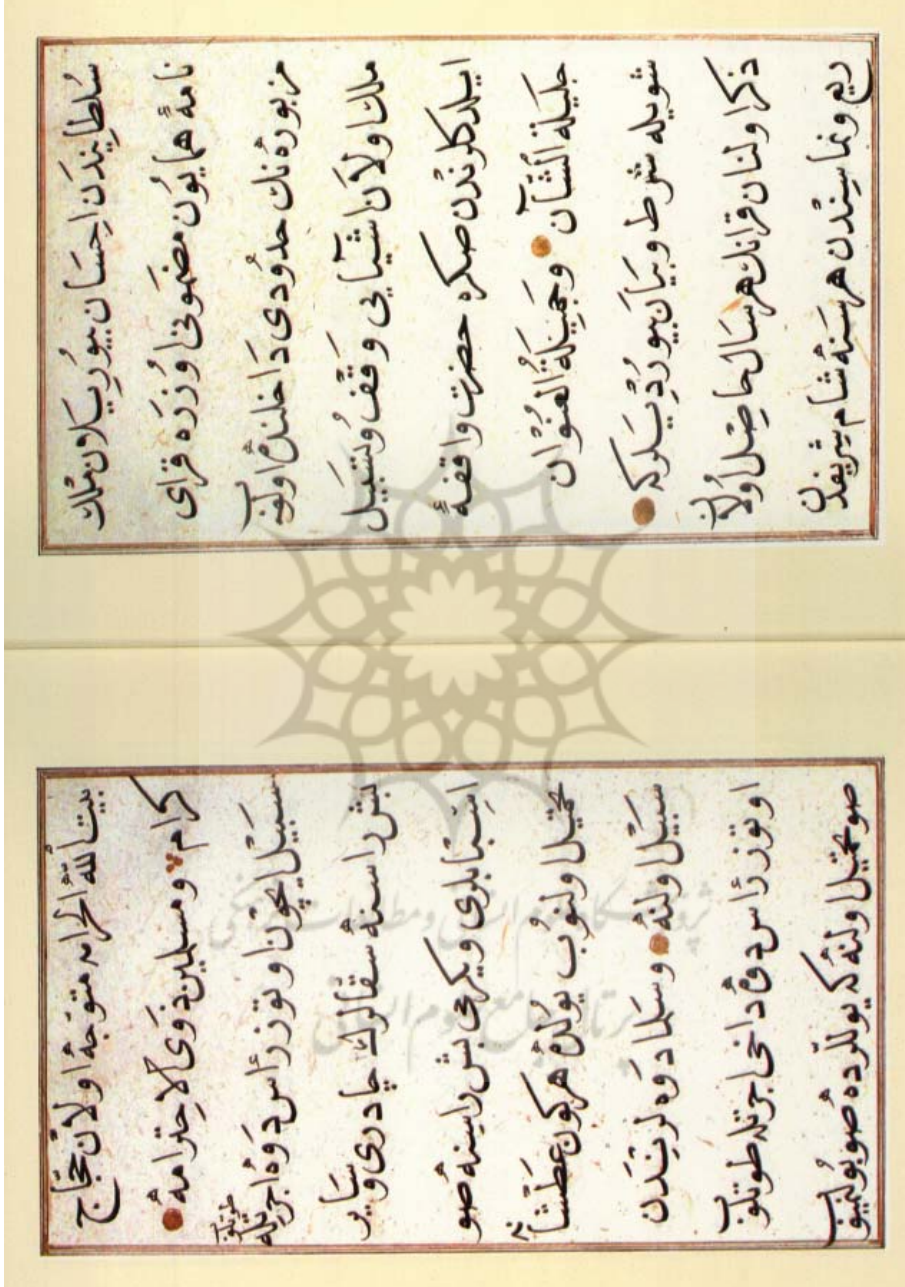








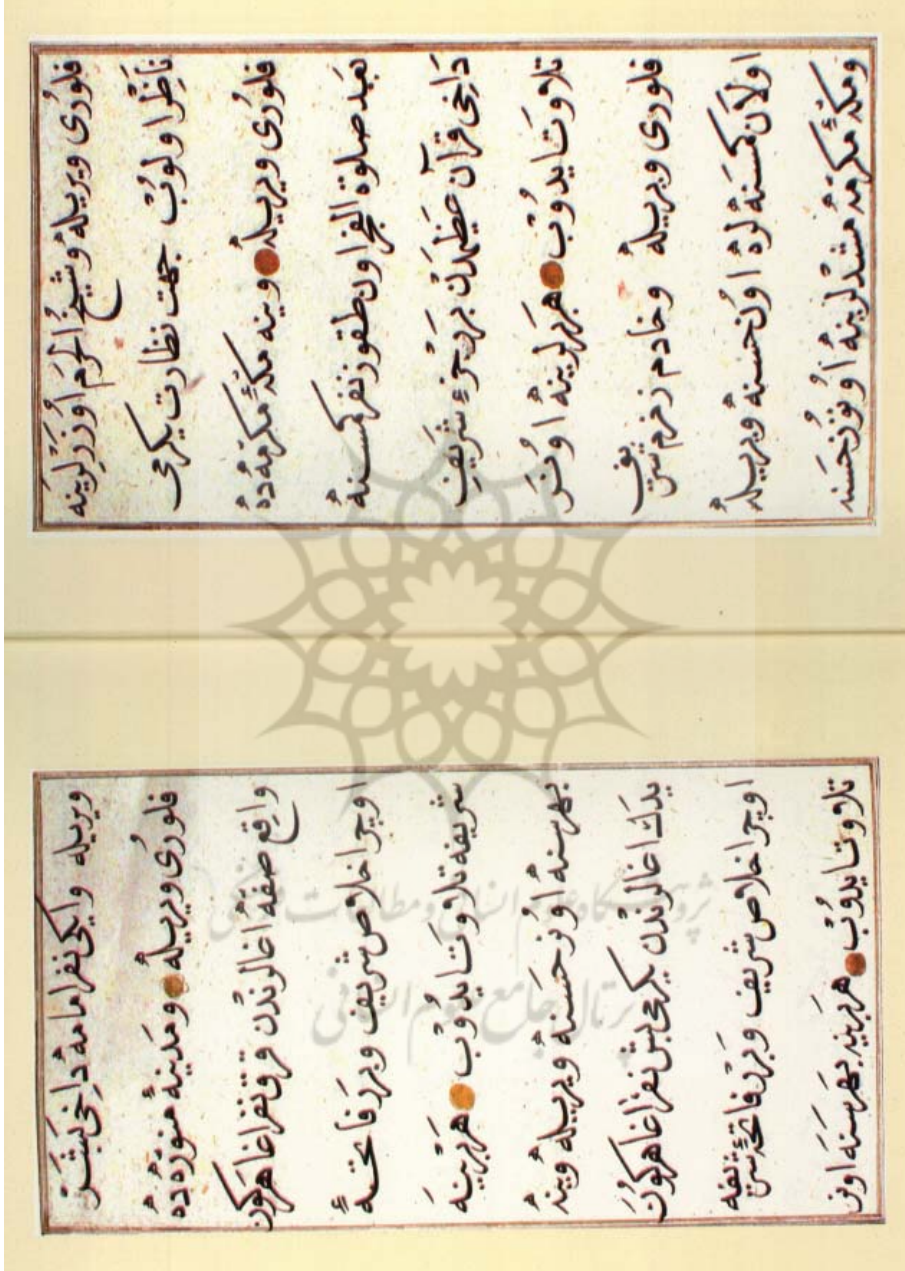


















وقفیتندک حسب الوکالة رجوع ایتدم
متولی مزبور قضر بدایله مأموراً و ناسه
مطلوبه دلار دیکلم متولی مرقوم داخی
بالواحه جواب بصواب و بروب
اکرچه حال امام مهوره مذهب
شریفند ذکر اولنا منوال و زرده در
لکن امامین هاجین بدین نیر یوسف
یعقوب الامام الثانی و امام محمد بن
الحسن الثینی حضرتک فاترتند

وقف اولنوب متولی بیستلیم اولناک
ایشیا و قضا لازم اولدوغی مراد
بوتقدیرجه وقف مزبورک صحت قفیتی
حلیه لزوم ایله محلی ولدوغنه بنه
باب جموع منستلایدوی محل ترتیب
دلار دیوبوجه جلیله ده مسطور
اولان و قفتمذکور شیخ شریف
اوزره سنجیله و بنیان خیر جمعی
تکیله مأمور اولان قدوق العلماء اللدین



ما هو المسطور في هذا المنور
 وقع عندي خاليًا عن القصور
 وانا الفقير اعديت انا
 الوزير الثاني

ما سطر في هذا الكتاب محقق
 بلا شبهة وارتياب
 وانا عبد الودود
 حاوز باشا
 الوزير

ما خر في هذا الوثيقة وقع
 عندي على الحق الحقيقه
 وانا الفقير من
 الوزير

وانا ايضا شاهدتها
 الفقير الى الله الملك
 الودود محمد
 باشا الوزير

وانا شاهد بحقيقه هذه
 الصنف
 علي باشا الوزير
 والقبودان

اذكر في الكتاب مع عندي بلا ارتياح
 كتبها الفقير عبد الساتي بن ابي الوفا
 المولى علي الحارث السلطان لا
 نزلت سموة بالحنايات الرا

وانا شاهد هذا كذلك وانا اشهد بذلك نعم الفقير
 حقيقه هذه
 الى الله الملك الوهاب حمزة بن محمد كمانلي
 الصنف الودود
 دود دار اناطو

ما يري في الوثيقة
 صنف عندي على
 كتيبة عبد بن محمد
 والتوقيع الشهير علي

في سنة ١١٣٠
 في شهر ربيع الثاني
 في يوم الاثنين

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰